



الگوی درک شهروندان کرمانی از امنیت اجتماعی

محمد حسن شمس‌الدینی مطلق^۱، سوده مقصودی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۱/۲۷

چکیده

از آنجا که انسان، موجودی اجتماعی است و شهرنشینی شکل جدید اجتماع است بحث امنیت خصیصه اجتماعی به خود گرفته است و موجب سلامت و آرامش روانی می‌شود بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی درک شهروندان شهر کرمان از امنیت اجتماعی صورت گرفته است. روش تحقیق پیمایش و داده‌ها با ابزار پرسش‌نامه در سه ناحیه (مرکزی، نیمه پیرامون و پیرامون یا حاشیه‌ای) شهر کرمان جمع‌آوری شده‌اند. جامعه‌ی آماری شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرمان می‌باشند که بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر از آن‌ها با روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای، به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. نتایج پژوهش براساس تحلیل واریانس بین گروهی نشان داد که از بین ابعاد امنیت اجتماعی، میزان امنیت جانی در سه ناحیه شهر کرمان متفاوت بوده و این تفاوت در سطح ۰/۰۵ معنی دار می‌باشد بدین معنی که امنیت جانی در ناحیه مرکزی شهر کم‌تر و هر چه به سمت حاشیه شهر پیش می‌رویم بر میزان این امنیت افزوده می‌شود. از سوی دیگر درک مردم در بعد امنیت عاطفی، اقتصادی و مالی در نواحی مختلف شهری تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد. هم‌چنین آزمون رابطه متغیرهای زمینه‌ای و درک از امنیت اجتماعی نشان داد که بین جنسیت و امنیت عاطفی و جانی رابطه معناداری وجود دارد یعنی درک امنیت زنان در این دو بعد کم‌تر از مردان است ولی با امنیت اقتصادی و مالی رابطه ندارد. هم‌چنین بین سن و نوع منزل مسکونی با امنیت اجتماعی رابطه‌ای معنادار مشاهده نشد.

کلیدواژه: امنیت اقتصادی، جانی، عاطفی و مالی، شهر کرمان، شهروندان.





مقدمه

امنیت و شرایط ایجاد ناامنی و چگونگی مقابله با آن از دغدغه‌های همیشگی بشر بوده است، به طوری که تأمین امنیت از شرایط لازم برای حصول نیازهای بالاتر، می‌باشد. بقاء و تداوم زندگی افراد در گرو امنیت می‌باشد. وقتی بحث امنیت فرد پیش می‌آید نکته‌ی مقابلش ناامنی است؛ اگر موقعیت خود را در بدترین وضعیت ناامن تصور کنیم در این صورت، به هیچ نیاز دیگر نمی‌توانیم توجه کنیم حتی فقط به فکر زنده ماندن و ادامه‌ی حیات خود حتی در ازای نابودی دیگران هستیم. امنیت می‌تواند ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... را در بر بگیرد. در این پژوهش تأکید ما روی امنیت اجتماعی^۱ است.

مقوله‌ی امنیت اجتماعی در ایران از یک سو با ارزش‌های که عامل همبستگی عمومی بوده، ارتباطی نزدیک دارد و از سوی دیگر با عوامل عینی همچون میزان جرم و جنایت و توان اقتصادی مردم در ارتباط است (فوزی و رحمتی، ۱۳۹۰: ۱۶۱).

به نظر می‌رسد احساس امنیت با بسیاری از متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ارتباط دارد. تفسیر درست یا نادرست افراد و تجارب آن‌ها از شرایط اجتماعی همواره احساس امنیت را در طیفی از احساس امنیت درست و واقعی و کاذب و غیر واقعی قرار می‌دهد. گاهی اوقات ساختارهای اجتماعی و انتظامی جامعه امنیت بالایی را نشان می‌دهند اما برداشت افراد از فضای اجتماعی یا اطلاعات آنان در مورد دیگران، آنان را در محمضه روانی احساس ناامنی قرار می‌دهد. برخی افراد جامعه نیز بخاطر تأمین منابع خویش با پذیرش ریسک‌های گوناگون ناخواسته خود را در معرض احساس ناامنی قرار می‌دهند، این شرایط خودخواسته با فضای کلان و ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جامعه فاصله دارد و بالعکس گاهی اوقات برخی افراد در فضای کاملاً ناامن زندگی می‌کنند اما هیچ‌گونه احساس ناامنی نمی‌کنند (بیات، ۱۳۸۸: ۱۱۶). بی‌کاری، تورم بالا، اقتصادی نبودن فعالیت‌های تولید، تصدّی‌گری بیش از حد دولت، مهاجرت از روستا به شهر، رشد حاشیه‌نشینی، افزایش واسطه‌گری و فعالیت‌های غیرمولد و عدم وجود فرصت‌های شغلی به حد نیاز از معضلات اساسی یک کشور حساب می‌شوند. از طرفی، طیف وسیعی از آسیب‌های اجتماعی از قبیل اعتیاد به مواد مخدر، خودکشی، طلاق، جرم و جنایت، پرخاشگری نسبت به کودکان، در کشور ما مشهود و ناامنی اجتماعی است، از پیامدهای موارد یاد شده است (رسولی و صالحی، ۱۳۹۰: ۱۶۸).

اگرچه درک از امنیت جنبه‌ی درونی و ذهنی دارد اما به نظر می‌رسد عوامل ایجاد امنیت هم به عوامل عینی و هم به عوامل ذهنی بستگی دارد.

اهمیت و ضرورت

از دیدگاه اندیشمندان یکی از نیازهای مهم افراد، نیاز به امنیت است. اهمیت این نیاز در





سلسله مراتب نیازها در هرم، از نظر مازلو تا اندازه‌ای است که آن را به‌عنوان مهم‌ترین و پایه‌ای‌ترین نیاز بشر بعد از نیاز فیزیولوژیکی می‌داند. در واقع تأمین این نیاز زمینه را برای رضای نیازهای بعدی فراهم می‌کند.

امنیت اولین عاملی است که موجب می‌شود انسان‌ها کنار هم آیند، از نیروی هم‌کمک گرفته، در مسئولیت‌های اجتماعی مشارکت جویند تا آسوده‌تر و متعهدتر زندگی کنند. توسعه و پیشرفت جامعه و برخورداری از فرصت‌ها و ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی همواره نیازمند بهره‌مندی از امنیت است (صالحی امیری و افشاری نادری، ۱۳۸۹: ۵۰). امنیت، بستر و زمینه‌ساز همه‌ی فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است به طوری که نیاز به احساس امنیت در بین مردم از ایجاد امنیت فیزیکی برای آن‌ها مهم‌تر است. زیرا ایجاد ناامنی موجب تشویش خاطر شده و تأثیر عمیق بر چگونگی فعالیت‌ها خواهد داشت (رضایی، ۱۳۸۴: ۱). احساس امنیت در احساس آسودگی خاطر و آسایش جامعه‌ی بشری بسی بیش‌تر از امنیت فیزیولوژیک است. زیرا احساس امنیت به عوامل درونی و اندیشه‌های فرد در ارتباط بوده، در هر زمان و هر مکانی فرد را همراهی می‌کند (پوراحمد و هم‌کاران، ۱۳۹۱: ۲). در صورتی شاخص‌های این متغیر در سطح بالا در جامعه عمل‌کنند نیاز به مکانیسم‌های پرخارج ناشی از کنترل رسمی جهت ایجاد امنیت، را کاهش می‌دهد و افراد با آسودگی خاطر به دور از ناامنی ذهنی و عینی، ادامه حیات می‌دهند.

اتکا به قدرت زور و جبر نظامی، همان نگاه سخت‌افزاری به مسئله جرم در جامعه است. کشتن دزد و جانی یا به زندان انداختن آن شاید در کوتاه‌مدت باعث کاهش جرم شود اما نمی‌توان سرنوشت خانواده مجرم یا گذشته نامطلوب و پایگاه انتسابی و ناخواسته مجرم در درازمدت، غافل شد (صالحی امیری و افشاری نادری، ۱۳۸۹: ۷۳). این وضعیت نیاز به منابع اجتماعی بسترساز امنیت را بیش از پیش ضروری می‌سازد.

امنیت شاخصی عینی است، در حالی که احساس امنیت شاخصی ذهنی است و افراد مختلف به علت حضور در شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و فرهنگی مختلف، برداشت‌های ذهنی متفاوتی از واقعیت‌های مختلف را تجربه می‌کنند و در نتیجه، احساسی که آن‌ها در مواجهه با واقعیت‌های پیرامونشان خواهند داشت، با هم متفاوت است. این برداشت‌ها، نقش اصلی و مهمی را در ایجاد احساس یا ناامنی در افراد بازی می‌کند (پوراحمد و هم‌کاران، ۱۳۹۱: ۹).

بیان مسأله

در کنکاش تاریخی، مفهوم امنیت قدمتی کم‌تر از مفاهیم اجتماع و جامعه دارد علی‌رغم نقش محوری که امنیت در حیات بشری داشته، مفهوم پردازی منسجمی در مورد آن صورت نگرفته و اندیشمندان و تحلیل‌گران به آن مختصر اشاره‌ای داشتند و نظریه پردازی کاملی در





این باره انجام نداده‌اند (احمدی مقدم، ۱۳۹۲: ۴). به عقیده‌ی دورکیم^۱ عنصر اساسی تداوم حیات اجتماعی، نظم اخلاقی است نظم اخلاقی شامل قواعدی است که بر روابط اجتماعی حکم فرماید و زمانی که این نظم با اختلال مواجه شود جامعه به وضعیتی آنومی دچار شده، همزمان با از هم پاشیدگی هنجارها و بروز آنومی، خواسته‌ها، آرزوها و امیال انسان نیروی کنترل و محدود کننده‌شان را از دست می‌دهند. آرزوهای بی حد و حصر انسان به تمامی نمی‌تواند ارضا شوند. در نتیجه در چنین موقعیتی، نارضایتی و عدم احساس امنیت در جامعه بروز می‌یابد (پور احمد و هم‌کاران، ۱۳۹۱: ۳). از پیشگامان دیگر جامعه‌شناسی نظم تالکوت پارسونز است که معتقد بود کنش عقلانی و سود جویانه به تنهایی برای برقراری نظم اجتماعی کافی نیست با تأکید بر هنجارهای اجتماعی از وجود ۴ عنصر سازنده برای کنش افراد مشخص می‌کند: وجود کنشگر، وضعیتی که کنش در آن رخ دهد، موقعیت و ارزش‌ها و هنجارها (ریترز، ۱۳۸۳: ۵۳۰). که با ملکه ذهن شدن هنجارها و هنجارها بستر امنیت ایجاد می‌شود.

شهرنشینی که منظر جامعه‌ی جدید می‌باشد برعکس جوامع کوچک و روستایی که عوامل امنیت اجتماعی بر اساس روابط خویشاوندی و الگوهای خاص گرایشی شکل گرفته و شبکه روابط محلی به عنوان مکانیزم‌های حمایت‌گر عمل می‌کردند و نظارت و کنترل بیش‌تر غیر رسمی و چهره به چهره بوده است و این منبع کنترل بیش‌تر در حکم بازدارندگی عمل می‌کرد در جوامع شهرنشینی عوامل امنیت اجتماعی بر اساس تمایزات ناشی از تقسیم کار و الگوهای عام‌گرایشی شکل گرفته، کنترل شکل عینی و رسمی به خود گرفته است. این شکل نظارت باید به عنوان آخرین ابزار کنترل به کار گرفته شود باید روندی اتخاذ شود که منبع کنترل شکلی درونی و ذهنی به خود بگیرد. فقدان بستر سازی برای امنیت عینی و امنیت ذهنی به عنوان شاخص‌های امنیت اجتماعی؛ هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی زیادی را در راستای توسعه، در پی دارد.

اجتماع برای آزاد ساختن، گروه‌ها و اجتماعات از تهدید دیگران، به باز اندیشی قواعد و منابع امنیت پرداخته که خود منشأیی برای ایجاد نامنی شد. به همین دلیل اجتماع در فرایند توسعه‌ی عقلانیت خویش به کاهش سطح امنیت همّت گمارده است (امانت، ۱۳۸۶: ۲۴۹).

شهرنشینی که منظر جامعه‌ی جدید می‌باشد برعکس جوامع کوچک و روستایی که عوامل امنیت اجتماعی بر اساس روابط خویشاوندی و الگوهای خاص گرایشی شکل گرفته و شبکه روابط محلی به عنوان مکانیزم‌های حمایت‌گر عمل می‌کردند و نظارت و کنترل بیش‌تر غیر رسمی و چهره به چهره بوده است و این منبع کنترل بیش‌تر در حکم بازدارندگی عمل می‌کرد در جوامع شهرنشینی عوامل امنیت اجتماعی بر اساس تمایزات ناشی از تقسیم کار و الگوهای عام‌گرایشی شکل گرفته، کنترل شکل عینی و رسمی به خود گرفته است. این شکل نظارت باید به عنوان آخرین ابزار کنترل به کار گرفته شود باید روندی اتخاذ شود که منبع کنترل شکلی درونی و ذهنی به خود بگیرد. فقدان بستر سازی برای امنیت عینی و امنیت ذهنی به عنوان شاخص‌های





امنیت اجتماعی؛ هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی زیادی را در راستای توسعه، در پی دارد. جامعه‌ی جدید شهری، تراکم و تکثیر جمعیت درون آن، همراه با تحرک بی‌سابقه جغرافیایی، در نتیجه رشد و گسترش فردیت‌گرایی، موجبات تنهایی، غربت انسان‌ها و در انتها کاهش امنیت فکری روانی را فراهم ساخته است (ساروخانی و نوید نیا، ۱۳۸۵: ۹۱). اکثر شهروندان بدون این‌که متوجه ناامنی در ابعاد مختلف باشند درگیر این مسأله هستند و از آسیب‌های عینی و ذهنی آن دور نیستند اثر آن در زندگی افراد انکار ناپذیر است و نتایج آن در نهایت گریبان‌گیر جامعه است. از نظر گرابوسکی ناامنی و جرم و جنایت به یک مسئله عمومی تبدیل شده است، کیفیت زندگی و شرایط اجتماعی اقتصادی مردم را تحت تأثیر قرار داده است (Grabosky, 1995: 1). اتکا به قدرت زور و جبر نظامی، همان نگاه سخت‌افزاری به مسئله جرم در جامعه است. کشتن دزد و جانی یا به زندان انداختن آن شاید در کوتاه مدت باعث کاهش جرم شود اما نمی‌توان سرنوشت خانواده مجرم یا گذشته نامطلوب و پایگاه انتسابی و ناخواسته مجرم در دراز مدت، غافل شد (صالحی امیری و افشاری نادری، ۱۳۸۹: ۷۳). جامعه‌شناسی امنیت حوزه‌ای بسیار نوپاست. از همین رو از غنای ادبیات نظری مبسوط بی‌بهره است. عمر کوتاه جامعه‌شناسی امنیت باعث گردیده که میان جامعه‌شناسان درباره‌ی حوزه‌ی معنایی امنیت اتفاق نظر لازم وجود نداشته باشد و صاحب‌نظران از زوایای متفاوتی به امنیت پردازند (نوید نیا، ۱۳۸۷: ۹۲). وقتی صحبت از امنیت پیش می‌آید بیش‌تر جنبه عینی آن در ذهن تجسم می‌یابد و ابعاد ذهنی آن کم‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد. تحقیقاتی که به مطالعه‌ی امنیت اجتماعی پرداخته‌اند اکثراً به بررسی رابطه‌ی متغیرهای اجتماعی بر روی این امنیت اجتماعی پرداخته‌اند و کم‌تر به مطالعه‌ی امنیت اجتماعی در نواحی مختلف شهری پرداخته‌اند. پژوهش حاضر در این راستا صورت گرفته است.

پیشینه تجربی تحقیق

نتایج پژوهش فرهاد پور و هم‌کاران (۱۳۹۱)، با عنوان «ادراک شهروندان از احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن در استان خراسان جنوبی»، نشان داد میزان امنیت از دیدگاه شهروندان به صورت کلی متوسط اما میزان امنیت خرده مقیاس‌های مالی، اجتماعی و روانی متوسط و میزان امنیت خرده مقیاس‌های جانی، سیاسی و حقوقی بالا بود.

ساروخانی و نوید نیا (۱۳۸۵)، پژوهش با هدف بررسی امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در شهر تهران انجام دادند نتایج پژوهش نشان داد میانگین امنیت اجتماعی در منطقه‌ی شمال (۲/۶۵) و بیش‌تر از میانگین امنیت در منطقه‌ی جنوب تهران (۲/۲۵) است هم‌چنین محل سکونت پاسخ‌گویان تأثیر معناداری بر امنیت اجتماعی خانواده دارد. امنیت جانی و شغلی در منطقه شمال بیش‌تر از منطقه‌ی جنوب است و امنیت مالی در منطقه‌ی جنوب بیش‌تر از منطقه‌ی شمال است.





پژوهش عنایت و هم‌کاران (۱۳۹۱)، با هدف بررسی رابطه جنسیت و احساس امنیت در شهر شیراز و یاسوج با ابزار پرسش‌نامه به‌صورت پیمایشی انجام گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد تأثیر متغیر جنس تنها بر میزان احساس امنیت اجتماعی و اقتصادی زنان بارز است. بدین معنی که زنان، در هر سه وضعیت مقایسه‌ای شهر یاسوج، شیراز و در کل احساس امنیت کم‌تری با مردان دارند؛ اما احساس امنیت اقتصادی زنان نسبت به مردان فقط در بعد کلی معنادار بود و هم‌چنین یافته‌های پژوهش نشان داد زنان و مردان شهر شیراز احساس امنیت کم‌تری (در تمام ابعاد) از زنان و مردان شهر یاسوج دارند. پژوهش لیندسترم و هم‌کاران (۲۰۰۶)، که به بررسی ناامنی در سوئد پرداخت نتایج که میانگین احساس ناامنی در بین زنان نسبت به مردان بیش‌تر است.

مبانی نظری

امنیت اجتماعی برای اولین بار توسط باری بوزان به‌صورت منسجم مورد توجه قرار گرفت. امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را به عنوان یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به بیان دیگر معطوف به جنبه‌هایی زندگی فردی می‌گردد که هویت گروهی او را سامان می‌بخشد یعنی حوزه‌ای از حیات اجتماع که فرد خود را به ضمیر «ما» متعلق و متناسب می‌داند و در برابر احساس تعهد و تکلیف می‌کند. هر عامل یا پدیده‌ای که باعث اختلال در احساس تعلق و پیوستگی اعضای گروه گردد در واقع هویت گروه را به مخاطره اندازد تهدیدی برای امنیت اجتماع محسوب می‌شود (بی زبان و هم‌کاران، ۱۳۹۱: ۶۳).

نظریاتی در باب امنیت اجتماعی به سه دسته تقسیم بندی می‌شوند دسته اول تعاریفی است که بر تهدید هویت جمعی تأکید دارد بوزان امنیت اجتماعی را بر مبنای هویت تعریف نموده است (گروسی و هم‌کاران، ۱۳۸۶: ۲۹). دسته دوم تعاریف، امنیت را به عنوان فقدان هراس از ویرانی و تهدید ارزش‌های جامعه می‌دانند، اگر امنیت را شامل تمهیداتی برای حفظ زندگی اعضای جامعه و سپس حفظ راه و روش زندگی آنان بدانیم بنابر این می‌توان امنیت اجتماعی را رفع تهدید از عنصر اتصال دهنده‌ی اعضای جامعه به یک‌دیگر در نظر گرفت این تعریف شامل چند عنصر است:

- امنیت شامل فضای اجتماعی است؛
- این فضای اجتماعی سطح کلان یا دولت به معنای عام را در بر نمی‌گیرد؛
- امنیت اجتماعی فقط به سطح امنیت فرد محدود نمی‌شود؛
- امنیت اجتماعی بر مجموعه‌ای از افراد تأکید می‌کند که عنصر یا عناصر ویژه مانند جنسیت، قومیت، مذهب و غیره آن‌ها را به هم مرتبط می‌سازد؛
- زمانی که ارزش‌های اتصال دهنده افراد تهدید گردد، امنیت متزلزل می‌شود (گروسی و





هم کاران، ۱۳۸۶: ۲۹).

دسته سوم تعاریف از امنیت بر فراغت جمعی از تهدیدی که عمل غیرقانونی دولت یا دستگاه یا فرد یا گروهی که در تمام یا قسمتی از جامعه بوجود آورده است، تأکید می‌ورزد (گروسی و هم کاران، ۱۳۸۶: ۲۹).

امنیت در شهرها معلول شرایط اجتماعی - اقتصادی آنهاست. در شهرها تنوع قومی، فرهنگی و اقتصادی زیاد است و نمی‌توان تمام مشکلات امنیتی را با به خود شهر و کالبد فیزیکی آن نسبت داد. یعنی اگر شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه شهری مناسب باشد، بالتبع، ضریب امنیتی آن نیز بالا خواهد رفت (اسماعیل زاده، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

از دیدگاه پارسونز کنش شامل همه‌ی رفتارهای انسانی است که انگیزه و معنای آن راهنمایی است که کنش‌گر آن‌ها را در دنیای خارج کشف می‌کند، توجهش را جلب می‌کند و به آن‌ها پاسخ می‌دهد اما این کنش اجتماعی با ذهنیت کنش‌گر تفسیر می‌شود، یعنی بر مبنای ادراکی که از محیط‌اش دارد، احساسات او را بر می‌انگیزد افکاری که در سر دارد، انگیزه‌هایی که او را به عمل واکنش‌هایی که در برابر کنش‌های خودش دارد (روشه، ۱۳۷۶: ۵۶)؛ در واقع احساس امنیت بیش از آن که واقعیتی بیرونی باشد؛ مقوله‌ی ذهنی است.

سامپسون^۱ (۱۹۹۷)، از نظریه پردازان رویکرد اجتماعی معتقد است که وجود ارزش‌های مشترک و مستحکم، کنترل پیوندهای اجتماعی قوی، انسجام اجتماعی بالا و سرمایه اجتماعی در میان ساکنان مناطق و محله‌های شهرها می‌تواند باعث توسعه‌ی امنیت در افراد شود. در مقابل در شرایطی که در محلات شهرها کنترل‌های اجتماعی بویژه کنترل‌های غیر رسمی و پیوندهای اجتماعی و سرمایه اجتماعی تضعیف شوند به طور قطع شرایط احساس ناامنی در افراد افزایش خواهد یافت. به نظر او غیر ممکن است که بتوان در فضای اجتماعی که مقررات و پیوندهای اجتماعی با ابهام مواجه بوده و مردم نسبت به یک‌دیگر بی اعتماد هستند و در تعامل با همدیگر نیستند احساس امنیت وجود داشته باشد (بیات، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

امنیت اجتماعی را به دو بعد امنیت عینی و امنیت ذهنی تقسیم‌بندی می‌کنند؛ در حوزه امنیت عینی، میزان توجه به مسائل و مشکلات جامعه و مصون بودن مردم از جرم و جنایت و همین‌طور مسائل اقتصادی و در حوزه امنیت ذهنی نیز میزان توجه به ارزش‌های جامعه‌ی ایران (این‌که ارزش‌های مردم در مقابل تهاجمات بیگانه به صورت یکپارچه‌ای حفظ گردند) مطرح می‌شود. در امتداد این تقسیم‌بندی می‌توان آسیب‌های امنیت اجتماعی را به دو دسته؛ آسیب‌های عینی و آسیب‌های ذهنی تقسیم‌بندی نمود و بر این اساس می‌توان از عواملی چون بی‌کاری، تورم، اعتیاد، اختلاس، فساد اقتصادی، قتل، طلاق، فرار از خانه و ... به عنوان آسیب‌های حوزه‌ی امنیت عینی و از عواملی چون شکاف نسلی، از خود بیگانگی، هنجار شکنی به عنوان آسیب‌های ذهنی نام برد که امنیت ذهنی در ایران را با مخاطره مواجه ساخته





است (فوزی و رحمتی، ۱۳۹۰: ۱۷۷).

در پژوهش حاضر، امنیت اجتماعی بر اساس ۴ شاخص زیر بررسی می‌شود:
امنیت جانی: تضمین جسم و جان افراد در مقابل خطرات و آسیب‌هایی که مانع ادامه حیات افراد می‌شود.

۲- امنیت مالی: تضمین دارایی‌های افراد از سرقت و دزدی.

۳- امنیت عاطفی: اطمینان از این‌که دیگران نیز ما را دوست دارند؛ دیگران در غم و شادی ما شریک هستند (عباس زاده و هم‌کاران، ۱۳۸۹: ۱۴۹).

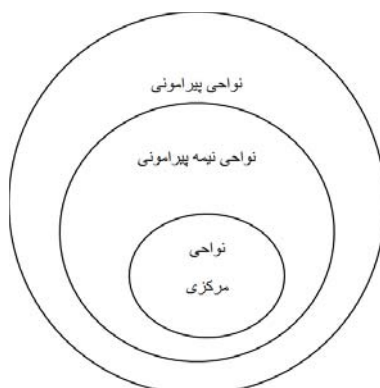
۴- امنیت اقتصادی: به برخورداری افراد از درآمد پایه، یا از طریق اشتغال درآمدزا یا بوسیله‌ی شبکه‌ی سلامت (تأمین) اجتماعی اطلاق می‌شود (پور احمد و هم‌کاران، ۱۳۹۰: ۵). در واقع؛ اتخاذ برنامه‌هایی در بخش‌های اقتصادی که افراد از حداقل امکانات اقتصادی برخوردار باشند و با تغییرات در این بخش‌ها متضرر نشوند.

ممکن است در مناطقی عوامل رسمی ایجاد امنیت عینی فعال باشند اما در بعد ذهنی، بستر سازی چندانی صورت نگرفته باشد. و افراد احساس ناامنی کنند. بنابراین، در این پژوهش درک مردم از امنیت عینی و ذهنی را در ابعاد امنیت عاطفی، جانی، اقتصادی و مالی می‌سنجیم. پژوهش حاضر در پی آن است با جمع‌آوری اطلاعات از دیدگاه شهروندان به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- آیا بین متغیرهای پیشینه‌ای جنس، سن و نوع منزل مسکونی پاسخگویان با امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد؟

- آیا درک افراد از امنیت اجتماعی (شاخص کل) در نواحی سه‌گانه‌ی (مرکزی، نیمه پیرامونی و پیرامونی یا حاشیه‌ای شهر)، برابر است؟

- آیا درک افراد از امنیت عاطفی، جانی، اقتصادی و مالی در نواحی شهر برابر است؟ اگر نواحی شهری را بر اساس مدل زیر تقسیم‌بندی نماییم؛ این مدل از این نظر مفید خواهد بود که بتوانیم قضاوت کنیم که آیا درک افراد از امنیت بین مناطق تفاوت قابل



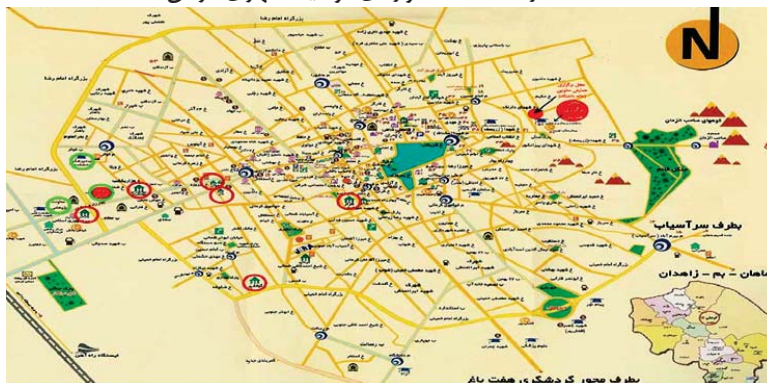
۱- ترسیم این مدل فرضی بر اساس ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی شهروندان در نواحی سه‌گانه می‌باشد

ملاحظه‌ای دارد یا خیر. در این پژوهش تحلیل و بررسی بر روی درک مردم از امنیت اجتماعی در این سه ناحیه شهری متمرکز می‌باشد.

مدل تحلیلی تحقیق

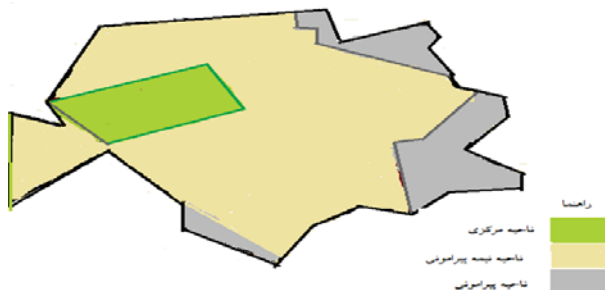
بر اساس مدل در نواحی مرکزی شهر، اکثراً طبقات مرفه جامعه قرار دارند در ناحیه‌ی نیمه پیرامونی ساکنانی با طبقات ناهمگون قرار دارند و طبقه متوسط رو به بالا و متوسط رو به پایین سکنی دارند و وسعت و جمعیت بیش تری را به خود اختصاص داده است. در ناحیه‌ی پیرامونی (حاشیه‌ای)، طبقات پایین و اکثراً اقشار محروم، با خصوصیات و فرهنگ خاص خود (اسکان غیر رسمی)، قرار گرفته‌اند (شمس الدینی مطلق و گروسی، ۱۳۹۲: ۶). با ترسیم نقشه شماره ۱ و شکل شماره ۱ چگونگی توزیع جامعه‌ی آماری در شهر کرمان بر اساس تقسیم‌بندی نواحی شهری به سه ناحیه مرکزی، نیمه پیرامونی و پیرامونی مشخص می‌شود:

نقشه شماره ۱: نقشه ماهواره‌ای موقعیت شهری کرمان



منبع: www. Google's map: Iran, kerman

شکل شماره ۱: موقعیت هر کدام از نواحی



منبع: شمس الدینی مطلق و گروسی، ۱۳۹۲





روش تحقیق

نوع پژوهش کاربردی و روش بررسی آن توصیفی-تحلیلی می باشد. جامعه آماری شهروندان شهر کرمان است و بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند و بر اساس روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای متناسب با حجم، نمونه های مطالعه از نواحی سه گانه شهر، انتخاب شدند امنیت عاطفی، جانی، اقتصادی و مالی به عنوان شاخص های امنیت اجتماعی در نظر گرفته شد. از طریق پیمایش با ابزار پرسش نامه اطلاعات جمع آوری شدند. برای اندازه گیری امنیت اجتماعی در کل و ابعاد آن، مقیاس ساخته شده بر مبنای درک پاسخگو از امنیت تنظیم شد چرا که اصولاً امنیت یک پدیده ای ادراکی و احساسی است در واقع امنیت بیش از آنکه واقعیتی بیرونی باشد، ماهیتی ذهنی و گفتمانی دارد و ارتباط مستقیم با ذهنیت و ادراک مردم از آسیب پذیری و تهدیدهای امنیتی دارد (ساروخانی و نویدنیا، ۱۳۸۴: ۹۵). تحلیل داده ها از طریق نرم افزار SPSS انجام گرفت. از طریق تحلیل واریانس تفاوت میانگین بین درک افراد از امنیت در سه ناحیه مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت.

یافته ها: بررسی درک افراد از امنیت اجتماعی

یافته های توصیفی

از بین پاسخگویان (۵۸/۱ درصد) زن و (۴۱/۹ درصد) مرد می باشند. دامنه ای سنی پاسخگویان بین ۱۸ تا ۶۵ سال می باشد. بر اساس وضعیت خانه مسکونی؛ ۵۵/۶ درصد صاحب خانه، ۳۴ درصد منزل استیجاری، ۲/۲ درصد منزل سازمانی و ۸/۳ درصد سایر موارد سکونت دارند. جدول (۱) آماره های توصیفی ابعاد امنیت اجتماعی را به صورت مجزاً نشان می دهد. همان گونه که ملاحظه می گردد، میانگین بعد امنیت عاطفی، جانی، اقتصادی و مالی به ترتیب برابر با ۲۱/۶۸، ۱۷/۱۴، ۲۷/۹۷ و ۴۰/۶۱ به دست آمده است، با توجه به تفاوت حداقل نمرات و حداکثر نمرات و هم چنین تعداد گویه ها میزان امنیت اجتماعی شهروندان در هر چهار بعد امنیت عاطفی، جانی، اقتصادی و مالی بیش از حد متوسط ارزیابی می شود.

جدول (۱) آماره توصیفی مولفه های امنیت اجتماعی

مؤلفه های امنیت اجتماعی	میانگین	انحراف معیار	واریانس	حداقل نمرات	حداکثر نمرات
امنیت عاطفی	۲۱/۶۸	۴/۴۱	۲۴/۵۷	۷	۳۵
امنیت جانی	۱۷/۱۴	۴/۹۵	۱۹/۴۹	۶	۳۰
امنیت اقتصادی	۲۷/۹۷	۷/۶۲	۵۸/۱۹	۹	۴۵
امنیت مالی	۴۰/۶۱	۱۱/۱۲	۱۲۳/۷۹	۱۴	۷۰
امنیت اجتماعی (شاخص کل)	۱۰۸/۷۹	۲۲/۲۹	۴۹۶/۸۹	۳۶	۱۸۰



یافته‌های تبیینی

در این بخش بر اساس آزمون‌های دو متغیره، رابطه بین متغیرهای مستقل با وابسته بررسی گردید.

فرضیه اول: بین جنس با امنیت اجتماعی پاسخگویان رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۲) رابطه جنسیت و امنیت اجتماعی بر اساس آزمون T-Test

سطح معناداری	میلنگین	جنسیت	ابعاد امنیت اجتماعی
۰/۰۰۱	۱۶/۴۲	زن	امنیت عاطفی
	۱۸/۱۳	مرد	
۰/۰۰۰	۲۰/۴۶	زن	امنیت جانی
	۲۳/۴۳	مرد	
۰/۱۷۴	۲۸/۵۳	زن	امنیت اقتصادی
	۲۷/۲۷	مرد	
۰/۸۴۷	۴۰/۵۲	زن	امنیت مالی
	۴۰/۷۳	مرد	

نتایج جدول شماره (۲) نشان می‌دهد که بین امنیت عاطفی و جانی با جنسیت رابطه معنادار وجود دارد و با توجه به تفاوت میانگین‌ها بین زن و مرد در این دو بعد نشان می‌دهد که زنان امنیت کم‌تری را نسبت به مردان درک می‌کنند. بین امنیت اقتصادی و مالی با متغیر جنسیت رابطه معناداری وجود ندارد، در واقع؛ نوع جنسیت افراد بر روی درکشان از امنیت در این دو بعد تأثیری ندارد.

فرضیه دوم: بین سن با امنیت اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.

چنان که جدول (۳) نشان می‌دهد بر آماره‌ی پیرسون و سطح معناداری، بین سن و امنیت اجتماعی پاسخگویان رابطه معناداری وجود ندارد؛ در واقع افزایش سن تأثیری روی امنیت اجتماعی ندارد.

جدول شماره (۳) رابطه سن با امنیت اجتماعی

سطح معناداری	رابطه	نوع آزمون
۰/۴۸۲	۰/۰۴۹	پیرسون

فرضیه سوم: بین نوع منزل مسکونی با امنیت اجتماعی پاسخگویان رابطه معنادار وجود دارد.





نتایج تحلیل واریانس بین گروهی جدول شماره (۴) نشان می‌دهد که بین نوع منزل مسکونی (صاحبخانه، استیجاری، سازمانی و سایر موارد) با درک افراد از امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول شماره (۴) درک افراد از امنیت اجتماعی بر حسب نوع منزل مسکونی

متغیر	تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میلنگین مربعات	F آماره	سطح معناداری
میزان درک افراد از امنیت اجتماعی بر اساس نوع منزل مسکونی	بین گروهی	۲۱۰/۵۷	۷۳	۲/۸۸	۱/۱۲	۰/۲۹
	درون گروهی	۲۵۱/۳۰	۹۸	۲/۵۶		
	کل	۴۶۱/۸۷	۱۷۱			

فرضیه چهارم: بین نواحی شهری با امنیت اجتماعی پاسخگویان رابطه معنادار وجود دارد.

جدول شماره (۵) نتایج حاصل از تحلیل واریانس در ارتباط با میزان درک افراد از امنیت اجتماعی به عنوان

شاخص کل به تفکیک نواحی

متغیر	تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میلنگین مجذورات	F آماره	سطح معناداری
میزان درک افراد از امنیت اجتماعی (شاخص کل) به تفکیک نواحی	بین گروهی	۹۰۴/۴۰	۲	۴۵۲/۲۰	۰/۸۹۴	۰/۱۳
	درون گروهی	۹۷۶۴۷/۴۳	۱۹۳	۵۰۵/۹۴		
	کل	۹۸۵۵۱/۸۳	۱۹۵			

بر اساس نتایج تحلیل واریانس و سطح معناداری که در جدول شماره (۵) آمده است بین امنیت اجتماعی به عنوان شاخص کل بر اساس نواحی (مرکزی، نیمه پیرامونی و حاشیه‌ای شهر) تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرضیه پنجم: بین ابعاد امنیت اجتماعی بر حسب نواحی شهری رابطه معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل واریانس و سطح معناداری در جدول شماره (۶) نشان می‌دهد درک افراد از امنیت جانی در سه ناحیه شهری تفاوت میانگین وجود دارد. یعنی اینکه میانگین درک افراد از امنیت، نابرابر است. گرچه درک افراد از امنیت اجتماعی امری نسبی است. از مقایسه مقادیر و میانگین درک افراد از امنیت اجتماعی می‌توان استنباط کرد که درک افراد از امنیت جانی در نواحی سه‌گانه متفاوت است. هر چه از ناحیه مرکزی شهر به سمت ناحیه پیرامونی پیش برویم میزان درک افراد از امنیت جانی کاهش می‌یابد. میانگین کل درک افراد از بعد امنیت جانی برابر ۲۱/۷۴ است همانطور که در جدول شماره (۶) مشاهده می‌شود این میانگین در ناحیه مرکزی شهر کم‌تر از میانگین کل می‌باشد و برابر با ۲۱/۳۹ است.

بر اساس نتایج تحلیل واریانس و مقدار SIG بین درک افراد از امنیت عاطفی، اقتصادی و





مالی در نواحی شهر تفاوت معناداری وجود ندارد؛ درک افراد از امنیت در این سه شاخص، در نواحی مرکزی، نیمه پیرامونی و پیرامونی شهر برابر است.

جدول شماره (۶) میانگین درک افراد از ابعاد امنیت اجتماعی در نواحی شهری بر اساس تحلیل واریانس

سطح معنادار Sig	F آماره	واریانس بین گروهی	واریانس درون گروهی	نواحی شهر						امنیت اجتماعی
				پیرامونی		نیمه پیرامونی		مرکزی		
				Std. deviation	میانگین	Std. deviation	میانگین	Std. deviation	میانگین	
۰/۲۱۶	۰/۹۴	۳۸/۸۱۰	۵۸۸۶/۳۷	۴/۱۳	۱۶/۶۱	۴/۶۵	۱۷/۵۰	۴/۷۵	۱۷/۱۹	امنیت عاطفی
۰/۰۴۹	۰/۳۳۸	۱۶/۲۸	۷۲۱۹/۱۵	۴/۷۷	۲۱/۹۱	۴/۴۱	۲۱/۸۸	۵/۵۸	۲۱/۳۹	امنیت جانی
۰/۳۷	۰/۳۶۹	۴۲/۷۶	۱۴۰۷۱/۲۳	۶/۹۶	۲۸/۵۵	۷/۵۸	۲۷/۵۶	۸/۲۸	۲۸/۰۰	امنیت اقتصادی
۰/۹۵	۰/۹۸۴	۲۴۹/۷۵	۳۲۷۳۹/۰۷	۱۱/۰۳	۴۲/۲۶	۱۱/۱۶	۴۰/۰۸	۱۱/۶۱	۴۰/۲۱	امنیت مالی

نتیجه گیری

نتایج پژوهش نشان داد که بین جنسیت با امنیت عاطفی و جانی رابطه معنادار وجود دارد درک امنیت زنان در این دو بعد کم تر از مردان است. (عنایت و هم کاران، ۱۳۹۱)، بر این باورند برای بررسی امنیت و احساس امنیت باید آن را به صورت پدیده‌ی چند بعدی در نظر گرفت که همه‌ی ابعاد آن در بین جنس‌های مختلف اهمیت یکسانی ندارند.

در ارتباط با متغیر جنسیت، اکثر بنیان‌گذاران اولیه جامعه‌شناسی معتقدند زنان و مردان ذاتاً در توانایی‌های عقلی، عاطفی و اخلاقی خود متفاوت و نابرابر هستند. اسپنسر بر تفاوت زیست‌شناختی و سرسپردگی اجتماعی زنان و پارسونز بر نقش عاطفی زنان و نقش ابزاری مردان در بیرون از خانه تأکید داشتند (کاندال، ۱۹۸۸؛ چافتز، ۲۰۰۶؛ به نقل از عنایت و هم کاران، ۱۳۹۱: ۱۵)، گیدنز احساس ناامنی زنان را به دوران جدید بسط مدرنیته و پیامدهای آن نسبت می‌دهد پیامدهای مدرنیته در هر دو عرصه شناختی و ساختاری موجب احساس ناامنی زنان می‌شود از نظر شناختی، ظهور مدرنیته و به‌ویژه تشدید فرایندهای جهانی‌سازی موجب تضعیف تفاوت‌های جنسیتی شرایط سنتی شد. از نظر ساختاری، حضور زنان در قلمروهای عمومی، گفتمان حاکم در خصوص مردانگی و زنانگی را زیر سؤال برد (همان: ۱۶). از دیگر نتایج در بخش متغیرهای زمینه‌ای این است که بین سن و نوع منزل مسکونی (صاحب‌خانه، استیجاری، سازمانی و سایر موارد) با درک افراد از امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد.

بین امنیت اجتماعی (شاخص کل) در نواحی سه‌گانه شهر تفاوت معناداری وجود ندارد. هم‌چنین بر اساس تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده در سه ناحیه (مرکز، نیمه پیرامونی





و حاشیه‌ای) شهر، نتایج تحلیل نشان داد که امنیت جانی در مرکز شهر کم‌تر و هر چه به صورت شعاعی از مرکز به حاشیه شهر پیش برویم این بعد امنیت افزایش می‌یابد. بین بعد امنیت عاطفی، اقتصادی و مالی بر اساس سه ناحیه شهری تفاوت معناداری وجود ندارد.

منابع

- احمدی مقدم، اسماعیل (۱۳۹۲)؛ راهبردهای انتظامی در جغرافیای سیستان و بلوچستان، فصل‌نامه‌ی نظم و امنیت انتظامی، شماره ۴، سال ۳، صص ۱-۳۱.
- امانت، حمیدرضا (۱۳۸۶)؛ امنیت اجتماعی، راهبرد، شماره ۴۵، صص ۲۴۷-۲۷۵.
- اسماعیل‌زاده، حسن (۱۳۸۷)؛ اجتماعات محلی؛ راه و چاره ارتقاء امنیت اجتماعی در کلان‌شهرها، فصل‌نامه‌ی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۵، سال ۱۴، صص ۱۲۵-۱۴۳.
- بیات، بهرام (۱۳۸۸)؛ تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی؛ با تأکید با نقش پرداخت رسانه‌ای و سرمایه اجتماعی، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره ۳۵، صص ۱۱۵-۱۳۲.
- پور احمد، احمد؛ عیوضلو، محمود؛ حامد، محبوبه؛ عیوضلو، داود و فرشته رضایی (۱۳۹۱)؛ بررسی رابطه دینداری و احساس امنیت در فضاهای شهری؛ مورد شناسی: شهرستان کوهدشت، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال اول، شماره اول، صص ۱-۲۰.
- رسولی، رضا و علی صالحی (۱۳۹۰)؛ بررسی و تبیین عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی جوانان، فصل‌نامه‌ی دانش انتظامی، سال دوازدهم، شماره دوم، صص ۱۶۵-۲۰۱.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۳)؛ نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر؛ ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، چاپ هشتم.
- ساروخانی، باقر و منیژه نویدنیا (۱۳۸۵)؛ امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت؛ در تهران، فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۸۷-۱۰۶.
- شمس‌الدینی مطلق، محمد حسن و سعیده گروسی (۱۳۹۲)؛ الگوی توزیع خدمات از دیدگاه شهروندان موردشناسی: شهر کرمان، اولین کنفرانس ملی خدمات شهری و محیط زیست، صص ۱-۱۲.
- صالحی امیری، سید رضا و افسر افشاری نادری (۱۳۸۹)؛ مبانی نظری و راهبردی مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگ در تهران، فصل‌نامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۵۹، صص ۴۹-۷۶.
- عباس‌زاده، محمد، محمدباقر علیزاده اقدم و رضا اسلامی (۱۳۸۹)؛ بررسی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی و امنیت اجتماعی، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی (علوم اجتماعی)؛ سال ۱۴، شماره‌های ۳۲-۳۳، صص ۱۳۷-۱۶۹.
- عنایت، حلیمه؛ موحد، مجید و اله رحم‌حیدری (۱۳۹۱)؛ امنیت و جنسیت: تفاوت‌های بین جنسی در مقابل نابرابری‌های اجتماعی و منطقه‌ای، مطالعات زنان، سال ۱۰؛ شماره ۲، صص ۷-۳۲.
- فوزی، یحیی و مهدی رحمتی (۱۳۹۰)؛ بررسی رابطه هویت ملی و امنیت اجتماعی در ایران، فصل‌نامه‌ی علمی و پژوهشی انتظام اجتماعی، سال سوم، شماره ۲، صص ۱۶۱-۱۹۲.
- فرهادپور، رقیه؛ رجب‌پور، زهرا و احمد خامسان (۱۳۹۱)؛ بررسی ادراک شهروندان از امنیت و عوامل مؤثر بر آن در



- استان خراسان جنوبی، فصل نامه دانش انتظامی خراسان جنوبی، سال دوم، شماره ۱، ۲۷-۴۶.
- هزار جریبی، جعفر و رضا صفری شالی (۱۳۹۰)؛ بررسی تعامل دو مفهوم شهروندی و امنیت اجتماعی، فصل نامه نظم و امنیت انتظامی، شماره ۳، سال ۳، صص ۱۵۷-۱۸۴.
- Emmenegger, Patrick (2010), Low Statism in Coordinated Market Economies: The Development of Job Security Regulations in Switzerland, *International Political Science Review* 31 (2): 87-205.
- Grabosky P. N (1998), Fear of Crime and Fear Reduction Strategies, *Trends & Issues in crime and criminal justice*, Australian Institute of criminology, No 44: 1-6.
- Lindstrom, Martin; Lindstrom, Christine; Moghaddassi, Mahnaz and Juan Merlo (2006), Social capital and neo-materialist contextual determinants of sense of insecurity in the neighbourhood: A multilevel analysis in Southern Sweden, *Health & Place* 12, pp. 479-489.
- www. Google. Gool,s earth: Iran, kerman.